

شخصیت حضرت زهرا (س) در کلام وحی

دکتر فاطمه علائی رحمانی

سخن گفتن از شخصیتی که دارای عظمتی ویژه و پرورشی نمونه و حضوری همه جانبه در تمام جهات انسانیت است، عشق و عجز را به همراه خود می آورد. زنان مطرح در قرآن، هریک شاخص های ویژه ای داشته اند و فاطمه، خود به تنهایی همه آن شاخص ها را با خود به همراه دارد.

فاطمه، بانویی است چون مریم، پاک و مطهر - دارای ارتقای روحی و معنوی؛ چون بلقیس، با علم و درایت؛ چون زنان معاصر با حضرت موسی، حاضر در تمام لحظات حساس و سرنوشت ساز؛ چون هاجر، صبور و با استقامت.

فاطمه، نه تنها، تمامی اینها را در خود، جمع داشت، بلکه خود، حقیقت حُسن و تجسم عینی آن بود و از این بالاتر، او بهترین اهل زمین بود. و از این نیز فراتر، او محور هستی و انگیزه خلقت عالم، اعم از آسمان و زمین و جن بود:

یا أحمد! لولاک لما خلقت الافلاک، لولا علی لما خلقتک، لولا فاطمة لما خلقتکما. ۱

سخن گفتن از فاطمه، فراتر از اندیشه بشری است، لذا باید شناخت او را در کلمات خدا و رسولش یافت. اگر معانی در قالب آن الفاظ بیان می شود، به منزله تنزیل حقیقت بلند پایه اوست. از این رو به بررسی آیات نازل شده در حق معرفتش

می پردازیم. اما قبل از ورود به بحث، نکاتی را یادآور می شویم.

۱. چون هدف، نشان دادن شمه ای از شخصیت فاطمه (س) در کلام وحی است از پرداختن به مباحث جزئی و فنی ادبی، تفسیری و فقهی، خودداری کرده و به حداقل در این زمینه اکتفا می کنیم.

۲. دلالت همه آیات مورد بحث یکسان نیست. بر برخی از آیات، گذشته از ظاهر کلام، روایات متواتر از طریق شیعی و سنی دلالت دارد. و برخی دیگر علاوه بر معنا و تفسیر ظاهری به حکم تفسیر باطنی، بر آن حضرت منطبق است و برخی از آیات از قبیل بیان یکی از مصادیق آیه و از باب تطبیق است نه تفسیر.

۳. برخی آیات، تنها به شخصیت حضرت زهرا (س) دلالت دارد و بعضی ناظر به مقام و منزلت اهل بیت رسول خداست که حضرتش یکی از آنهاست.

آیاتی که دلالت بر فاطمه (س) دارند - مطابق شاخص هایی که ذکر کرده ایم - بر طبق احادیث و اعتقادات شیعه بسیارند.

از جمله: آیه ۶ از سوره فاتحه؛ ۲۱ و ۳۷ از سوره بقره؛ ۶۱، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۳۷، ۱۹۵ از سوره آل عمران؛ ۶۹ از سوره نساء؛ ۱۱۹ از سوره توبه؛ ۲۴ از سوره ابراهیم؛ ۲۶ و ۵۷ از سوره اسراء؛ ۱۱۱ از سوره مؤمنون؛ ۸۷ از سوره انعام؛ ۳۵ از سوره نور؛ ۱۱۵ و ۱۳۲ از سوره طه؛ ۵۴ و ۷۴ از سوره فرقان؛ ۳۳۳ و ۵۷ از سوره احزاب؛ ۲۳ از سوره شوری؛ ۱۱ از سوره محمد؛ ۱۷ از سوره ذاریات؛ ۲۱ از سوره طور؛ ۱۹ و ۲۰ از سوره الرحمن؛ ۸ از سوره حشر؛ ۱ از سوره قدر، ۳۸ و ۳۹ از سوره مدثر؛ ۳ تا ۷ از سوره لیل؛ ۹ از سوره مزمل؛ ۱۰۲ از سوره انبیاء؛ و ۱ تا ۳ سوره کوثر.

در این مقاله به بررسی چند نمونه از این آیات با در نظر گرفتن نکاتی که قبلاً ذکر شد، می پردازیم:

۱. سوره کوثر

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثُرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

در شأن نزول این سوره گفته شده:

زمانی که رسول (ص) دو تن از فرزندان خود به نام های عبدالله و قاسم را از دست داد و دشمنان آن حضرت، برای تضعیف او، زبان طعن و شماتت، گشودند، عاص بن وائل او را «ابتر» خواند،^۲ که در لغت عرب به «مقطوع

النسل» اطلاق می شود. ۳.

کوثر از ریشه کثرت است و بر چیزی اطلاق می شود که شأنیت کثرت در او باشد و مراد از کوثر خیر فراوان است. ۴.

البته آن خیر کثیری که پیامبر در نتیجه اعطای خداوند؛ مالک آن شده است، در آیه اول مشخص نشده و شاید بدین لحاظ باشد که با اطلاق و عدم تقييد آن، عظمت و شأن خاص، بدان بیخشد.

برای کلمه (کوثر) در این سوره، معانی متعدد مطرح شده است، علامه طباطبایی در المیزان با توجه به معنای آخرین آیه که دشمن آن حضرت را، ابتر معرفی کرده، مناسب ترین معنا را «کثرت» ذریه پیامبر اکرم (ص) ذکر می کند. ۵. اگر خیر کثیر هم مراد باشد، یقیناً یکی از مصادیق آن، فراوانی نسل آن حضرت است.

کوثر، صیغه مبالغه است. یعنی ای پیامبر، به تو، دختری دادیم که مجسمه خیر است، استوانه برکت و اسطوره بالندگی است، به تو دختری دادیم که اگر همه فضایل و سجایای انسانی را مجسم کنند، زهرا می شود. ای پیامبر، به شکرانه این نعمتی که به هیچ کس داده نشده و نخواهد شد، نماز بخوان و در هنگام تکبیر، دستهایت را بلند کن که این یک حالت خضوع است برای بنده و جلالتی است برای خدا!

امام فخر رازی در ذیل آیه می نویسد:

کوثر هشت معنا دارد که تمام آن معانی درباره حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (س) است. آنگاه خودش می گوید: چگونه، فاطمه کوثر نباشد که چون علی بن الحسین و محمد بن علی باقر العلوم و صادق المصدق، میوه و ثمره دارد. ۶.

آری فاطمه، چگونه خیر کثیر نباشد که از این نهر کوثر، صدها و بلکه هزاران جوی زلال و روشن، منشعب است.

حسن ختام این بخش، آن که نزول چنین سوره ای و چنین تعبیر بلندی (کوثر) درباره فاطمه در عهد جاهلیت عربی که «زن» نه تنها از کم ترین حقوق انسانی برخوردار نبود، بلکه تولد دختر مایه ننگ و سرافکنندگی بود و دختران، زنده بگور می شدند، نشانگر جایگاه ارزشمند زن در مکتب حیات بخش اسلام است. موجودی که می تواند منشأ این مقدار خیر و برکت در تاریخ بشریت باشد. موجودی که بنده برگزیده خدا و

اشرف مخلوقات عالم، باید به شکرانه برخوردار از آن، در برابر پروردگارش، سربرخاک بساید. در کدامین مکتب می توان چنین قرب و منزلتی برای زن یافت؟^۷

۲. آیه تطهیر

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب، ۳۳/۳۳)
این آیه به گفته بیشتر محدثان اهل سنت و تمام علمای شیعه، در خصوص اهل کساء، نازل شده است.

چنانچه در صحیح مسلم و ترمذی و تفسیر کشاف و طبری و در المنثور، مستدرک حاکم، منتخب کنز العمال و کتاب های دیگر از عایشه و ام سلمه و انس بن مالک و ابو سعید خدری و دیگران با مختصر اختلافی روایت کرده اند که چون آیه تطهیر نازل شد، رسول خدا (ص)، فاطمه (س) و علی (ع) و حسن و حسین (ع) را خواندند و کسای خود را بر روی آنها انداختند و فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا».

در انتهای سوره واقعه، می فرماید: إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ، فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ هیچ کس به قرآن، مسّ وجودی پیدا نمی کند مگر مطهرون. با توجه به این آیه، تنها اهل بیت، مسّ وجودی کتاب مکنون را دارند و این هم فضیلتی بزرگ برای حضرت زهرا (س) است.

با توجه به این که منظور از اراده حق تعالی، در این آیه، اراده تکوینی است نه تشریحی و با توجه به احادیثی که معنای «رجس» را پاکی از گناه و آلودگی می داند - نه پاکی از نجاسات ظاهری - این آیه شریفه، بزرگ ترین دلیل بر عصمت فاطمه زهرا (س) از هر گونه گناه و آلودگی است، بلکه می توان گفت: از بعضی جهات مقام صدیقه طاهره، از بسیاری از انبیا و ائمه (ع) نیز برتر است. چنانچه این مطلب، از سخنان تاریخی امام حسین (ع) در شب عاشورا در پاسخ به بی تابی خواهرش زینب، مشاهده می شود. امام علی (ع) با استناد به آیه تطهیر، عصمت و طهارت زهرا (س) را یادآوری می کنند. وقتی خلیفه اول با حضرت زهرا (س)، به منازعه برخاست و فدک را که در اختیار آن حضرت بود، مصادره کرد و دعوی آن حضرت را نشنید و شاهدانش را قبول نکرد، امام علی (ع) خطاب به وی گفت:

اگر کسی ادعا کند که [نعوذ بالله] فاطمه زهرا مرتکب منکر شده است و برای ادعای خود، شاهدانی هم بیاورد و تو او را تصدیق کنی، کتاب خدا را تکذیب کرده ای زیرا آیه تطهیر، شهادت خدا بر طهارت زهرا (س) است.

آن بانوی بزرگ حد وسط و محور ارتباط اهل کساء بود. «هم اهل بیت النبوه و معدن الرساله، هم فاطمه و أبوها و بعلها و بنوها» آنان اهل بیت نبوت و معدن رسالت هستند: فاطمه، پدر فاطمه، همسر فاطمه و پسران فاطمه.

محور اصلی ارتباط اهل بیت با رسول خدا، یک زن است، زنی که ذریه ای پاک از او، زاده می شود و اوست که تنها حلقه اتصال این فرزندان با رسول خداست.^۸ اگر به این نکته دقت کنیم که گوینده این کلام، الله، ذات مستجمع صفات جمالیه و جلالیه است، خدایی که پروردگار عالم وجود است و اراده اش مساوی با تحقق و وقوع می باشد، حقیقت این تکریم را بهتر، احساس خواهیم کرد.

۳. آیه (لیلة القدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

این آیه از جمله آیاتی است که علاوه بر معنا و تفسیر ظاهری، به حکم تفسیر باطنی بر آن حضرت منطبق است.

در تفسیر فرات کوفی با ذکر سند از امام صادق (ع) نقل شده است، که حضرت در تفسیر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فرمودند: «لیله» فاطمه و «القدر»، الله است. سپس افزودند: «فمن عرف فاطمة حق معرفتها، فقد أدرك ليلة القدر وإثما سميت فاطمة لأن الخلق فطموا عن معرفتها؛ پس هر کسی که فاطمه را به درستی و «کما هو حقه» بشناسد، لیلة القدر را درک کرده است و فاطمه به این نام، نامگذاری شده، به خاطر آن که مردم از شناخت او عاجزند.

به راستی چرا فاطمه (س) لیلة القدر نباشد و حال آن که یازده قرآن ناطق در این «لیله» نازل شده است.

فاطمه، لیلة القدر است زیرا که:

۱. در میان همه شبها، آنچه بی نظیر و مطلوب است، شب قدر است. در میان همه رتبهها نیز آن که بی نظیر و مطلوب است، فاطمه است.



۲. از آن حضرت، تعبیر «لیل» شده است. زیرا همان گونه که شب همه چیز را در برمی گیرد، ظلم و ستم بنی امیه آن حضرت را در برگرفت.
۳. فاطمه، شب و لیل است زیرا شب، بیانگر پوشیدگی و مستوری و حجاب و عفت و حیاء است.
۴. ویژگی شب قدر، توبه و نزدیکی به خدا و اطاعت و بندگی و حفظ احکام است. ویژگی فاطمه (س) و راه و روش و سیره آن حضرت نیز، قرب به خدا و اطاعت و بندگی او و حفظ ارزش های الهی است.
۵. مهم ترین و ممتازترین عمل در شب قدر، علم و پرداختن به آن است. در میان صفات و ویژگی های فاطمه، نیز علم و معرفت و آگاهی آن حضرت به خدا، دین خدا، تکالیف، وظایف و ارزش های انسانی، از همه مهم تر و بزرگ تر است. ارزش سایر اعمال آن حضرت به همین آگاهی و شناخت و علم اوست و این از بزرگ ترین درس ها و تعالیم برای همه، بخصوص برای زنان است.
۶. شب قدر از هزار ماه، بهتر است و یک لحظه و یک روز زندگی و سیره حضرت زهرا (س)، از هزاران ماه و سال زندگی که در آنها خبری از آن راه و روش و الگو نباشد، بهتر است.
۷. شب قدر، ظرف و جایگاه قرآن است. جایگاه حضرت زهرا و گفتار و کردار و زندگی آن حضرت هم در تفسیر عملی قرآن و تجسم و تبلور آیات آن است. همان گونه که انسان در شب قدر به قرآن، نزدیک تر شده، و آن را بر سر می نهد، با نزدیک شدن به حضرت زهرا (س) نیز انسان به قرآن نزدیک شده و آن را نصب العین خود قرار می دهد.
۸. شب قدر همان لیلۀ مبارکه یعنی شب نزول برکت و ارزش ها است و چشمه ای است که این فضایل و سعادت ها از آن جوشیده و نازل می شود. فاطمه نیز محل نزول و صدور این اصالت ها و ارزش ها و مکارم است.
۹. شب قدر، تجمع ملائکة اللہ است و بهره از عالم ملکوت، افزون تر خواهد بود. آن کس هم که بیشتر با فاطمه، نزدیک تر شده و از آن حضرت بهره ببرد از خوی و خصلت ملائکه، حظ افزون تری برده و به عالم فرشتگان و تجرد و تقدس، نزدیک تر می گردد بلکه از آنها نیز، برتر می رود.
۱۰. ممکن است سال ها بگذرد و کسی از شب قدر، جز ظاهری، بیش درک نکند،

اما اگر از حقیقت آن، ذره‌ای درک نماید، چنان آگاهی و تنبه بیداری به او می‌بخشد که مسیر زندگی عوض می‌شود و سخت به خدا نزدیک می‌گردد. فاطمه، نیز چنین است. یعنی ممکن است فرد یا جامعه‌ای سالها به لیلۃ القدر برسد و فاطمه (س) را از خود بداند؛ اما حقیقت او را درک نکند و جز ظاهری از آن نفهمد، اما با درک زندگی و ابعاد گوناگون حیات واقعی فاطمه، جرقه‌ای در دل آنان بدرخشد و مسیر سرنوشت آنان را عوض نماید.

از این گذشته زمان غسل و کفن و دفن، بنا بر وصیت حضرتش نیز در دل شب متناسب با لیلۃ القدر است و قرن‌ها است که قبر مجهول و ناپیدای او نیز حاکی از تناسب وجود مقدسش با لیلۃ القدر دارد.

و «اللیلۃ هی فاطمة والقدر هو الله»: فاطمه، اضافه تشریفی به خدا دارد از حیث:

۱. آن که پس از پدر بزرگوار و شوهر گرانقدرش، بیش از تمام پیامبران مرسل و غیر مرسل، ایمان به خدا داشته و در عالم انوار و اشباح و ارواح، خدا را تسبیح و تمجید و تقدیس و تحلیل کرده و سپاسگزار بوده است. نور مقدس او چندین هزار سال پیش از آفرینش آسمان و زمین آفریده شده است.

۲. آنکه فاطمه زهرا، افضل تمام انبیا و مرسلین و ملائکه و مقربین است و همه آنها نیازمند به شفاعت زهرا (س) طبق اخبار و احادیث مستفیضة صادره از مصادر وحی و تنزیل می‌باشند.

۳. آن که ملائکه حتی جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل هم بی‌اذن بر او داخل نمی‌شوند. و از اطاعت او بیرون نبودند و خداوند عز و جل، عهد ولایت او را از آنها گرفته است.

۴. زهرا (س) مرضیه، علت وجود ائمه یازده گانه، اوصیای رسول خدا (ص) می‌باشد و ذریه پیامبر تا قیامت از نسل او هستند.

ارباب معرفت نیز در بعضی از تفاسیر، روایت امام صادق (ع) را نقل کرده و آن را پذیرفته‌اند و بر اساس مبانی عرفان اسلامی «لیلۃ مبارکه» را انسان کامل، تفسیر کرده‌اند. انسان کامل در این مکتب جایگاه محوری دارد. از نظر روایات مسلم است که جبرئیل امین به فاطمه (س) نازل می‌شده^۹، در حالی که جبرئیل امین، حتی بر ائمه (ع) نیز نازل نمی‌شد. مصحف فاطمه، محصول شرفیابی فرشته وحی الهی بر حضرت زهراست که از افتخارات تشیع، شمرده می‌شود.

امام صادق (ع) در ضمن مصحف فاطمه می فرماید: «فیه علم القرآن کما انزل»؛ علم قرآن همان طور که نازل شده در مصحف فاطمه (س) موجود است. لذا آگاهی از قرآن و اسرار آن مربوط به حضرت زهرا و سایر معصومان می باشد، چون قرآن در خانه آنها نازل شده است، آنها هستند که در سایه آشنایی با این منبع لایزال الهی توانایی شناخت و درک حقایق و معارف و دانش های گوناگون را پیدا کرده اند. در بعضی روایات آمده که مصحف فاطمه، سه برابر قرآن است. شاید تأویل و تفسیر قرآن مجید باشد زیرا ما معتقدیم که علم قرآن طبق فرمایش خود قرآن، در نزد صاحبان این علم است که آنها هم، همان ائمه طاهرین هستند که فاطمه (س) نیز جزو آنهاست. اما در اینجا مطلب بالاتر است زیرا مصحف با این خصوصیات، فقط، بر فاطمه (س) قرائت شده است.

۴. آیه مباهله

فمن حاجک فیه من بعدما جائک من العلم فقل تعالوا ندع أبناؤنا وبنائکم ونسائنا ونسائکم وأنفسنا وأنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین. (آل عمران، ۶۱/۳) با کسانی که با تو در امر نبوت مجادله می کنند، بگو بیایید پسران و زنان و نفوس خویش را بخوانیم و تضرع کنیم. آن گاه لعنت خدا بر دروغ گویان.

طبق احادیث متواتر و مشهور میان شیعه و سنی که قریب به اجماع و اتفاق است در روز مباهله، مسیحیان نجران، پیامبر را مشاهده کردند در حالی که حسنین و فاطمه و علی (ع)، همراه او بودند و به سوی مکان مورد نظر می آمدند.

در این آیه، نسائنا، منحصر به حضرت فاطمه (س) شده است. با این که زنان و همسران پیامبر در حجره های آن حضرت بوده اند و زنان بزرگ دیگری مانند: صفیه و ام هانی و دیگران، وجود داشتند، هیچ کدام به این مباهله دعوت نشدند.

زیرا مباهله (ابتهاال و نفرین کردن) با نصاری نجران یک کار عادی نیست و تنها افراد معصوم، صلاحیت آن را دارند.

صحنه مباهله، از لحظات حساس تاریخ اسلام است و حضور در این صحنه، ایمان و اعتقاد خاصی را می طلبد.

پیامبر (ص) برای حضور در این صحنه از میان زنان، تنها، فاطمه را انتخاب می کند؛

یا از آن روی که فاطمه به منزله امتی از زنان است، درست همان گونه که ابراهیم خود به تنهایی یک امت بود. یا، این که او، محبوب ترین افراد، در نزد پیامبر بود. و یا چون در میان زنان مسلمان، تنها فاطمه بود که مصداق زنی بود با یقینی تام که می توانست قدم در این صحنه بگذارد. اما حق این است که فاطمه هم یک امت بود، هم محبوب ترین زنان در نزد رسول خدا(ص) و هم تنها زنی بود که می توانست تکمیل کننده گروهی باشد که به حقیقت و بر حق بودن مسلمانان، یقینی کامل دارند و نیز محور اصلی اتصال آن گروه به رسول خدا(ص) باشد. زیرا آنان شوهر و فرزندان او بودند.

این که پیامبر، فاطمه را در این درگیری اجتماعی - اعتقادی، احضار می کند و او را در چنین مخاطره ای قرار می دهد (خود) نمونه ای بارز و سرمشقی عینی است، برای تمام زنان عقیقی که دارای اعتقادات حقند و پیرو صادق راه اویند، بر این که شجاعانه در چنین صحنه هایی حاضر شوند.

و نیز این نمایش به منزله دلیل عینی و ملموس است بر جایگاه والای زهرای مرضیه، نزد پیامبر خدا و عدم برابری هیچ زنی با او در مقام و رتبه خاصی که دارا بود.

۵. آیه مودت

ذلک الذی یشتر الله عباده الذین ءامنوا و عملوا الصالحات قل لا أسألكم علیه أجرأ الا المودة فی القربى و من یقترب حسنة نزد له فیها حسناً ان الله غفور شکور . أم یقولون افتری علی الله کذباً . (شوری، ۲۳/۲۴ و ۴۲) این همان است که خداوند به بندگانش که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند؛ مژده می دهد، بگو برای آن کار از شما مزدی نمی طلبم مگر دوستداری در حق اهل بیتم و هر کس کار نیکی کند در آن برایش جزای نیک بیفزاییم چرا که خداوند آمرزنده قدردان است. یا می گویند پیامبر خدا دروغ بسته است....

ابن عباس درباره شأن نزول آیات فوق که به آیات مودت، شهرت یافته، گوید:

چون اسلام پس از هجرت پیامبر به مدینه، استحکام یافت، انصار گفتند:

نزد پیامبر برویم و بگوییم در گرفتاری هایی که پیش می آید، اموال ما در اختیار

تو است و می توانی در جهت پیشبرد دین از آنها استفاده کنی. آیه شریفه،

نازل شده و پیامبر آن را در پاسخ آنان، تلاوت فرمود. منافقان مانند همیشه که

در صدد تضعیف رسول خدا(ص) بودند اظهار داشتند: او در همان مجلس

این سخن را ساخت تا ما را پس از خود، نزد خویشانش ذلیل و خوار، گرداند.
آن گاه آیهٔ دوم نازل شد که آیا بر خداوند دروغ و افتراء می‌زنید؟^{۱۰}

از نظر ادبی تفاوتی بین این که استثنا در آیهٔ (إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) متصل باشد یا منقطع، وجود ندارد^{۱۱} اگر استثنا متصل باشد بدین معناست که: «من پاداشی از شما نمی‌خواهم جز دوستی اهل بیتم.» و اگر منقطع باشد^{۱۲}، بدین معناست که «دوستی اهل بیت پیامبر، اجری برای پیامبر نیست. چرا که بهرهٔ این دوستی، نصیب مسلمانان و دوستان اهل بیت آن حضرت است و بدین وسیله چنین خواسته‌ای از سوی رسول خدا(ص) در راستای دعوت مردم به دین است.»^{۱۳}

باید دید این چه مودتی است که هم سنگ، هم کفه و هم وزن اجر رسالت است. مودت گروهی که بر سر سلسلهٔ آنان زهرای مرضیه، محبوبهٔ امت، است. همان بانویی که پیامبر دربارهٔ اش فرمود:

يا حسن و يا حسين انما كفتا الميزان، فاطمه لسانه و لاتعدل الكفتان إلا باللسان، ولا يقوم اللسان إلا على الكفتين.^{۱۴}

ای حسن و حسین شما دو کفهٔ ترازویی هستید که فاطمه، شاهین آن است و کفهٔ ترازو در حال تعادل قرار نمی‌گیرد مگر به وسیلهٔ شاهین آن و شاهین، استوار نمی‌شود مگر بر دو کفهٔ ترازو و...

در این کلام، زهرا، تنظیم‌کننده و برقرارکنندهٔ تعادل در این کانون معرفی می‌شود.

۶. آیات ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا. يُوفُونَ بِالْغَدْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَبِيرًا. وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَبَيْمًا وَأَسِيرًا. إِنَّمَا نَنْعَمُكُمْ لَوْجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا. إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا. (انسان، ۷۶/۵-۱۰)

ابرار در آخرت از جام‌های بزرگ لبریز بهشت که چون کافور، سرد و دلپذیر است، می‌آشامند و آن کافورها، خوشبوی و شیرین است. این آب، آمیخته است به آب چشمه‌ای که برای بندگان خاص خود خلق شده و هر کجا بخواهند، آن کاسه‌ها حاضر است و در قصرها مهیا است. این آب گوارا مثل این است که در عمارات و ابنیهٔ بهشت،

همیشه جریان دارد و در اختیار بنده های وفادار خداست. اینان به نذر خود وفا کرده و اطاعت خدا کرده و از روزی که محنت آن، آشکار است، می ترسند. اینان در راه خدا، به مسکین و یتیم و اسیر، اطعام می کنند و به زبان حال می گویند: ما برای خدا، اطعام کردیم، و از شما جزا و تشکری نمی خواهیم. ما از پروردگاران در روزی که چهره برافروخته و در هم کشیده است، می ترسیم.

از مسلمات فریقین است که این آیه در مورد حضرت زهرا(س) و شوهر و دو فرزندش نازل شده است. به اتفاق مفسران، آیات این سوره در مدینه در هنگام کسالت حسنین(ع) نازل شد که درباره نذر فاطمه(س) و علی(ع) برای سلامتی حسنین(ع) بود. علامه امینی، در الغدير، نام سی و چهارتن از کسانی که شأن نزول این سوره را داستان مذکور، دانسته اند، ذکر کرده است. ۱۵

در این مختصر، مجال پرداختن به دقایق تفسیری و جزئیات آنچه در این سوره آمده، نیست و تنها به ذکر این نکته لطیف از سوی آلوسی، مفسر اهل سنت، اکتفا می شود که:

در این سوره، سخنی از «حورالعین» که در سوره های دیگر از آن به عنوان یکی از نعمت های بهشتی یاد شده، به میان نیامده است و چه بسا این ناگفتن، به حرمت نور چشم رسول خدا(ص)، حضرت فاطمه زهرا(س) باشد که سوره در فضیلت او و خانواده اش و نعمت هایی که در بهشت از آن بهره مند خواهد شده، نازل شده است. ۱۶

۷. آیه التقاء بحرین

این آیه از جمله آیاتی است که علاوه بر معنا و تفسیر ظاهری، به حکم تفسیر باطنی بر آن حضرت منطبق است:

مرج البحرين يلتقيان. بينهما برزخ لا يبغيان. يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان. (الرحمن، ۲۲-۱۹/۵۵)

غالب مفسران و محدثان و مورخان فریقین، معتقدند که شأن نزول این آیات درباره تلاقی بحر نبوت و ولایت و درباره حضرت فاطمه(س) و علی(ع) است. علامه بحرانی، دوازده روایت که بعضی از آنها از طریق اهل سنت نقل شده،



ذکر می کند که مراد از «بحرین» علی و فاطمه هستند که هیچ گاه بر یگدیگر، بغی و سرکشی نمی کنند. ۱۷

در تفسیری از ابن عباس نقل شده که:

برزخ میان آن دو، مهر و محبتی است که از بین رفتنی نیست و همین مهر و محبت، مانع سرکشی هر کدام، نسبت به دیگری است. دربار الهی، بر اساس نبوت و ولایت مطلقه، با بندگانش، تماس حاصل کرده و مشعل هدایت برافروخته است و این سلسله که فرد اتم و اکمل آنها، حضرت رسول و خاندان عترتند، دربار روحانیت ربوبی را تشکیل داده و واسطه فیوضات غیبی هستند. همان طور که عالم طبع از ترکیب و تجزیه و تحلیل عناصر و موالید، دائماً در ایجاد وجود است، در عالم انسانیت و معنویت نیز این ارتباط در بین ارواح مجرده که در ابدان مختلفه بروز و ظهور می کنند، تجلی کرده، از آن تلاقی ها، عناصری ممتاز به دست می آورد، از آن جمله، تلاقی اقیانوس محیط نبوت با دریای عمیق ولایت است که به وسیله مهد عصمت و طهارت، تلاقی کرده و از آن گوهرهایی گرانبها که برای همیشه مورد استفاده بشر می باشد به وجود آمده است.

چنان چه در ابتدای این مقاله گفتیم آیاتی که در قرآن کریم، پیرامون وجود پنج تن و فاطمه زهرا(س) است، بسیار می باشد که ما در این مقال تنها به ذکر چند نمونه از آیات، پرداخته و بررسی کامل تر را به علاقمندانش واگذار می کنیم.



۱. رحمانی همدانی، فاطمة الزهراء بهجة قلب مصطفی (ص).
۲. ابوالحسن علی بن احمد الواحدي النيشابوري، اسباب النزول/ ۳۰۷؛ جلال الدين سيوطي، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، ۶/ ۲۰۴.
۳. ابن منظور، لسان العرب/ ۳۶.
۴. طبرسي، مجمع البيان في علوم القرآن، ۵/ ۵۴۹.
۵. علامه طباطبائي، الميزان، ۷/ ۳۷۰.
۶. امام فخر رازي، التفسير الكبير، ۳۲/ ۱۲۲.
۷. سيد جواد ورعي، كوثر، محبوبه است/ ۶۳؛ ماهنامه پیام زن، سال ششم شماره ۶۸، آبان ۱۳۷۶ ش.
۸. منيره گرجي، نگرش قرآن به حضور زن در تاريخ انبيا/ ۱۷۲.
۹. شيخ عزيز الله عطاردی، مسند فاطمة زهرا/ ۲۸۱.
۱۰. زمخشری، کشاف، ۴/ ۲۳۰؛ اسباب النزول/ ۲۵۱.
۱۱. علامه سيد عبدالحسين شرف الدين، كلمة الغراء في تفضيل الزهراء/ ۷۳.
۱۳. كوثر، محبوبه است/ ۶۵.
۱۴. علی بن عیسی آرلی، كشف الغممة، ۲/ ۱۲۹.
۱۵. علامه امینی، الغدير، ۳/ ۱۰۷؛ به بعد.
۱۶. آلوسی، روح المعانی، ۲۹/ ۱۵۷.
۱۷. علامه بحرانی، البرهان في تفسير القرآن، ۴/ ۲۶۵.